

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کیت کلارنبرگ
برگردان: علی کاظمی
۱۷ اپریل ۲۰۲۴



کیت کلارنبرگ

چرا اردن حمایت از غزه را سرکوب می‌کند؟



حمایت از آرمان فلسطین، که در سطح جهانی به بالاترین حد خود رسیده است، به طور فعال توسط مقامات اردن سرکوب می‌شود زیرا تحت فشار قرار دارند تا از نمایش‌های ضد اسرائیلی در آن کشور جلوگیری نمایند..

طی دو هفته گذشته، هزاران اردنی به خیابان‌های امان ریخته‌اند، سفارت اسرائیل را محاصره کرده‌اند، نسل‌کشی غزه را محکوم کرده‌اند، از پادشاهی هاشمی خواسته‌اند تمام روابط خود را با تل ابیب قطع کند - و به‌ویژه، معاهده صلح ۱۹۹۴ این کشور را اسرائیل پاره نماید.

نیروهای امنیتی اردن با این اعتراضات با شدت فزاینده برخورد نموده‌اند که نشان دهنده ناراحتی دولت از انتقادهای عمومی بیش از حد از اسرائیل است. در میان این آشفتگی، عربستان سعودی - بزرگترین حامی عرب اردن - با نگرانی نظاره‌گر این نگرانی است که افزایش همبستگی فلسطینی‌ها ممکن است سلطه منطقه‌ای خودش را زیر سؤال برده تمام چشم اندازهای عادی سازی روابط ریاض با تل ابیب را از بین ببرد.

ممنوعیت «فلسطین»

این ممنوعیت شامل پرچم‌ها، چفیه‌ها و بنرهای فلسطینی از تظاهرات می‌شود. امری که در اکثر کشور های عربی طرفدار امریکا اعمال می‌گردد. شرکت کنندگان همچنین تحت بازرسی بدنی تهاجمی و بررسی هویت قرار می‌گیرند و افراد مشخصی از شرکت در تظاهرات منع می‌شوند.

به نظر می‌رسد برای فرار از سرکوب‌ها، برآمد های تظاهراتیروزانه تغییر می‌کند. یعنی در حالی که معترضان یک روز، با چفیه های خود دیده می‌شوند، روزی دیگر بدون چفیه، به همین سان استفاده از پرچم فلسطین نیز همیشه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، باز هم برای فرار برخورد پولیس افراد حامل پرچم و یا چفیه در میان انبوه جمعیت ظاهر شده، به محض احساس خطر در بین جمعیت خود را پنهان می‌نمایند. مظاهره چیان تکنیک جدیدی را با استفاده تیفون های همراه شان نیز به کار می‌برند قسمی که با زدن با فشار یک دگمه بر تیفون، پرچم های فلسطین را به نمایش می‌گذارند.

تظاهرات عمومی عمدتاً محدود به محوطهٔ بشدت محاصره و سنگربندی شدهٔ مسجد کلوتی که در نزدیکی سفارت تخلیه شدهٔ اسرائیل در امان قرار دارد است. فقط به مدت دو ساعت محدود شده است.

در ماه رمضان، پس از پایان نماز تراویح، اعتراضات از ساعت ۲۲ آغاز می‌شود. به گفتهٔ یکی از معترضان که با *The Cradle* مصاحبه می‌نمود:

«پولیس اصرار دارد که تظاهرات باید تا نیمه شب تمام شود، سپس وقتی که مردم حاضر به خروج از حیاط نیستند، آنان را با زور و ارباب بیرون می‌کنند. محدودیت‌های بزرگتر یک مانع اصلی برای مشارکت است، به‌ویژه اگر مجبور باشید شناسنامه و یا کارت شناسایی خود را نشان دهید – مردم می‌ترسند که بعداً به نوعی علیه آنها پرونده‌سازی شود. به‌دلیل موانع، برخی از افراد، به‌ویژه آنانی که دچار مشکلات حرکت هستند، اغلب نمی‌توانند به‌هیچ‌وجه وارد شوند. این محدودیت‌ها طوری طراحی شده‌اند که ما را تضعیف کنند، ما را در قفس نگاه‌دارند و از فرار ما به خیابان‌ها جلوگیری کنند.»

ممنوعیت پرچم فلسطین تشدید حساسی از سوی مقامات اردن است. [اکثریت](#) کمی از جمعیت اردن در اصل فلسطینی هستند. آنها متشکل از پناهندگان فلسطینی و فرزندان آنها و همچنین ساکنان کرانه باختری در دوره مدیریت امان از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ هستند.

از آنجائی که در کشور سرشماری و احصائیة نفوس وجود ندارد، رقم دقیق آن مشخص نیست. احتمالاً این از طرح هائیسیت به منظور کاهش نفوذ اجتماعی و سیاسی فلسطین در پادشاهی هاشمی که توسط بریتانیا ایجاد شده است.

یک نبرد نمادین در حال تشدید است

در یک تحول بسیار نمادین، خشونت علیه معترضان همبستگی با فلسطین در امان در ۳۰ مارچ، یوم الارض [روز زمین](#)، که یادآور تاریخی سرنوشت‌ساز در سال ۱۹۷۶ است، زمانی که مقامات صهیونیستی برای اولین بار مصادره رسمی سرزمین فلسطین را برای شهرک‌سازی آغاز کردند، به اوج خود رسید. شش فلسطینی غیر مسلح - از جمله سه زن - در آن روز توسط نیروهای اشغالگر اسرائیل [به قتل رسیدند](#) و صدها نفر دیگر در جریان درگیری‌های بعدی زخمی شدند. از آن زمان تاکنون مقامات اردنی تلاش کرده اند تا اوضاع را آرام کرده و خود را ضدصهیونیست متعهد معرفی کنند.

مقامات امان در واکنش به اعتراضات هفته گذشته تلاش کرده اند تا تعادلی آرام برقرار کنند. مهند مبین، وزیر ارتباطات دولت مدعی شده است که محکوم کردن اسرائیل یک اخلاق اصلی ملی است و بر همبستگی امان با فلسطین و حق شهروندان برای اعتراض علی‌رغم «نقض‌هایی» که توسط اقلیت تظاهرکنندگان انجام شده است، تأکید می‌کند. با این حال، همانطور که یک فعال اردنی ناشناس به *The Cradle* می‌گوید، «بسیاری از ما فکر می‌کنیم که این فقط یک حرف است.» به هر حال، بسیاری از معترضان دستگیر شده طی دو هفته گذشته همچنان در «بازداشت اداری» باقی مانده اند و محدودیت‌های رسمی در اعتراضات از ۳۰ مارچ افزایش یافته است. حساب کاربری X از «تجمع جوانان اردن برای حمایت از مقاومت» اسامی و عکس‌های ۵۴ معترض را فهرست می‌کند که ادعا می‌کنند در حال حاضر توسط نیروهای امنیتی اردن بازداشت شده‌اند. به دلیل حمایت از فلسطین، آنها در تعطیلات رسمی مسلمانان عید فطر که پایان ماه مبارک رمضان است، پشت میله‌های زندان می‌مانند.

بحران هویت فلسطینی اردن

در سپتامبر ۱۹۷۰، در پاسخ به سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) که از اردن به عنوان یک پایگاه بسیار مؤثر برای حمله به کشور اشغالگر استفاده می‌کرد، نیروهای اردنی به دلیل حضور قابل توجه فدائیان در اردن، شروع به حمله به شهرها از جمله امان کردند.

وقایع آن ماه که معمولاً به عنوان سپتامبر سیاه شناخته می‌شود، به جنگ داخلی تبدیل شد و فلسطینی‌ها و اردنی‌ها در تقابل خونین با یک دیگر قرار دادند. چندین معترض که با *The Cradle* صحبت کردند به شباهت‌های آشکار بین آن زمان و اکنون اشاره می‌کنند، یکی از آنها می‌گوید ممنوعیت نمادهای همبستگی فلسطین با توجه به بافت تاریخی چنین اقداماتی در امان «دیوانگی محض به نظر می‌رسد.» [ناگفته نماند که در سپتامبر سیاه، جنرال ضیاءالحق که بعداً در زمان حاکمیتش بر پاکستان سیلاب خون خلق افغانستان را جاری ساخت، در رأس سپاهی که گویا پاکستان جهت حمایت از پادشاه آن زمان اردن «ملک حسین» فرستاده بود، به سرکوب خلق فلسطین پرداخته، به اساس برخی از منابع فلسطینی بیش از ۱۵ هزار فلسطینی را در آن روز کشته و یا زخمی ساخت و بدان وسیله وفاداری اش را به امپریالیسم و صهیونیسم به اثبات رسانده، به شکرانه آن اجازه یافت

«ذوالفقار بوتهو» صدراعظم قانونی پاکستان را سرنگون و حاکمیت استبدادی و ضد بشری خودش را بر پاکستان اعمال نماید - کاظمی]

فعالان همچنین می‌گویند که اتهامات علیه معترضان همبستگی فلسطینی در اردن مبنی بر خدمت به «برنامه‌های خارجی» و هدایت شدن توسط بازیگران خارج از کشور به سطوح بی سابقه‌ای رسیده است. هر چند «دیگران» را مسؤول دانستن، تاکتیک قدیمی مقامات برای از بین بردن مخالفان و مخالفت در میان مردم است، به گفته چندین فعال به *The Cradle*، سرکوب‌ها و اتهام زنی‌ها این بار به سطوح «تکان دهنده» و بی سابقه‌ای رسیده است. گروه بازیگرانی که متهم هستند عبارتند از اخوان المسلمین، ایران، حماس و حتی غرب. با وجود این اتهامات، اعتراضات دارای یک مؤلفه بین‌المللی واقعی است و روحیه وحدت را در میان فعالان همبستگی فلسطینی در سراسر غرب آسیا از جمله مصر، اردن، مراکش و عمان تقویت می‌کند.

«مردم در قاهره چند روز پیش علیه [پادشاه اردن] عبدالله دوم شعار می‌دادند، در حالی که ما علیه [عبدالفتاح رئیس جمهور مصر] السیسی شعار می‌دادیم. ما یک دیگر را به قیام دعوت می‌کنیم!» یک معترض اردنی با افتخار به *The Cradle* می‌گوید. چنین صحنه‌هایی برای دولت‌های مختلف در داخل و خارج از غرب آسیا تحقیر مطلق است.

ستراتژی متقابل اسرائیل

این همبستگی فزاینده اعراب با فلسطین از دید اسرائیل غافل نمانده است، اسرائیلی که بشدت از تأثیر هولناکی که نسل کشی غزه آنها در خارج از کشور دارد آگاه است. یک یادداشت فاش شده وزارت امور خارجه ایالات متحده [فاش کرده است](#) که تل ابیب به منظور برجسته کردن جنایات ادعائی حماس، در حال استخدام «کاربرانی- در حقیقت جواسیسی- برای کمک به هدف قرار دادن کاربران رسانه های اجتماعی» در اروپا و امریکای شمالی و «مصر، اردن و کشور های عربی خلیج فارس» می باشد.

بر همین اساس، پلتفرم تحقیقی منبع باز EekadFacts تعدادی از اکانت های X را که گفته می شود در اردن مستقر هستند، کشف کرده است که بی امن پیام های ضد حماس را ارسال می کنند. این فعالیت های مخفیانه و گمراه کننده هیچ کمکی برای کاهش همبستگی فلسطین در هیچ گوشه ای از جهان نتوانسته انجام دهد تنها نتیجه آن متحدان عرب طرفدار امریکا، به ویژه عربستان سعودی را متوهم ساخته است.

نقش ریاض

همان طور که روزنامه لبنانی الاخبار بالجبار در ۴ اپریل اشاره کرد، ریاض «پرواز های مطبوعاتی و الکترونیکی خود را برای دفاع از تاج و تخت هاشمی راه اندازی کرده است» - کنایه ای با توجه به تلاش محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، برای انجام این کار در سال ۲۰۲۱ برای سرنگونی ملک عبدالله دوم و برگزیدن برادرش شاهزاده حمزه به عنوان نایب السلطنه. باید متذکر شد که محاکمه کودتاچیان سال ۲۰۲۱، امروز در امان همچنان ادامه دارد. یکی از مؤلفه های فراموش شده این کودتای نافرجام دخالت مرکزی اسرائیل بود. همان طور که الاخبار خاطر نشان می کند، بن سلمان ناگزیر از سرکوب همبستگی با فلسطین است، زیرا چنین فعالیت هایی با هدف بلندمدت او برای عادی سازی روابط با اسرائیل به منظور کسب تضمین های امریکا برای امنیت رژیم سعودی در تضاد است. این ها شامل موافقت ایالات متحده برای فروش جت های جنگنده F-۳۵ به ریاض و حمایت ایالات متحده در ساخت زیرساخت های هسته ای، از جمله چرخه سوخت هسته ای در خاک عربستان، است - که هر دو خواسته دیرینه عربستان سعودی هستند.

پیش از شروع عملیات طوفان الاقصی و حمله وحشیانه اسرائیل به غزه، ریاض و تل آویو در آستانه عادی سازی روابط بودند. حمله رعد آسای نظامی اسرائیل عادی سازی روابط دو کشور را به یک پیشنهاد غیر قابل دفاع تبدیل کرد. در حالی که محمد بن سلمان در ابتدا مطرح کرد که این موضوع کنار گذاشته شده است، اما واضح بود که این ترفندی است برای حفظ ادعای او مبنی بر این که پادشاهی عربستان «نماینده قلب جهان اسلام» است و «امیدها و رنج های مسلمانان را در همه جا احساس می کند و در تلاش برای اتحاد، همکاری و همبستگی در جهان اسلامی است.» در جنوری، او مسیر خود را تغییر داد و بارها آشکارا «علاقه» خود را در «بهرسمیت شناختن» تل آویو ابراز کرد - مشروط بر این که اسرائیل با پیشبرد راحل دو دولتی و ایجاد یک تشکیلات خودگردان فلسطینی «تجدید» موافقت کند، که احتمالاً بتواند حمایت تل آویو و فلسطینی های کنونی را جلب کند.

همزمان، ریاض با نمایندگان مصر، اردن، قطر و امارات متحده عربی دیدار کرد تا «طرح مشترکی» برای غزه پس از جنگ تدوین کند. در این صورت، تشکیلات وحشی و خائن خودگردان فلسطین، که توسط بریتانیا آموزش دیده، وحشیانه، قدرت بلامنازع را در این سرزمین به دست می گیرد و حماس از تمامی دفاتر و آژانس های رسمی اخراج می شود.

این پیشنهادی است که احتمالاً نه مبارزان آزادی فلسطین و نه فعالان همبستگی با فلسطین در سراسر جهان آن را نمی‌پذیرند.

منبع: وبسایت کریدل، ۱۰ اپریل ۲۰۲۴

[Warum geht Jordanien hart gegen die Unterstützung für Gaza vor? \(thecradle.co\)](https://thecradle.co)